



نقدی بر تقسیم‌بندی شاخه‌های زبان کردی بر مبنای حوزه‌ی جغرافیایی

هیوا ویسی (نویسنده مسؤل)^۱

استادیار گروه زبان انگلیسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه

نوع مقاله: مقاله پژوهشی؛ تاریخ دریافت: ۲۵ آبان ۱۳۹۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۶ اسفند ۱۳۹۸؛ صص ۱۲۵-۱۴۰

DOI: <https://www.doi.org/10.34785/J013.2020.619>

چکیده

درباره‌ی تعاریف و تمایزات میان اصطلاحاتی نظیر زبان، گویش و لهجه توافق جامعی میان پژوهشگران حوزه‌های زبان‌شناسی و جامعه‌شناسی زبان وجود ندارد. برخی از پژوهشگران در خصوص مطالعه و بررسی رابطه‌ی میان زبان و اجتماع، از واژه‌های جامعه‌شناسی زبان و یا زبان‌شناسی اجتماعی استفاده می‌کنند و بین واژه‌ها و اصطلاحات مذکور تمایز قائل می‌شوند؛ در حالی که برخی دیگر آنها را یکی می‌پندارند. این مسأله در خصوص تقسیم‌بندی زبان کردی نیز وجود دارد و بیشتر پژوهشگران زبان کردی هم درباره‌ی شاخه‌ها، گویش‌ها و لهجه‌های آن و تعداد و شمار آنها نه تنها اختلاف نظر دارند، بلکه مبنای تقسیمات آنها بیشتر محل و سکونت جغرافیایی و نه مشخصات و عناصر زبانی است. مطالعه‌ی پیش رو، نخست به اختصار به بررسی تاریخی و جغرافیایی زبان کردی می‌پردازد و طبقه‌بندی و تقسیماتی را که از سوی محققین حوزه‌ی زبان‌شناسی ارائه شده است، مورد بررسی و نقد قرار می‌دهد. در پایان، نتیجه‌گیری می‌شود که این نوع طبقه‌بندی دارای ایرادها و اشکالات فراوانی است. همچنین، پیشنهادهایی برای تقسیم‌بندی نوین در زبان کردی و شاخه‌های آن آورده می‌شود.

کورتیه

له باره‌ی پیناسه‌کان و جیاوازییه‌کانی نیوان چه‌مگگه‌لیک وه کوو زمان، زار و بن‌زاردا هاوراییه‌کی گشتگیر له نیو توپژهرانی بواره‌کانی زماناسی و کومه‌لناسیی زماندا نییه. هه‌ندی له توپژهران له بواری توپژینه‌وه و لیکدانه‌وه‌ی پیوه‌ندی نیوان زمان و جقاکدا له وشه‌کانی کومه‌لناسیی زمان یان زمانناسیی کومه‌لایه‌تی که‌لک وه‌رده‌گرن و له نیوان وشه‌کان و ئەو چه‌مکانه‌ی سه‌روه‌دا جیاوازی داده‌نین، له کاتیکدا هه‌ندی تر ئەوانه به یه‌کیک ده‌زانن. ئەم پرسه له پۆلینبه‌ندیی زمانی کوردیشدا هه‌یه و زۆربه‌ی توپژهرانی زمانی کوردیش له باره‌ی لقه‌کان، زاره‌کان و بن‌زاره‌کانی و ژماره‌یان نه‌ک هه‌ر بۆچووونی جیاوازیان هه‌یه، به‌لکوو کۆله‌که‌ی دابه‌شکاراییه‌کانیان شوپینی جوگرافییه، نه‌ک تاییه‌تمه‌ندییه‌کان و هیمانه زمانیه‌کان. ئەم توپژینه‌وه‌یه سه‌ره‌تا به کورتی لایه‌نی میژووپی و جوگرافی زمانی کوردی لیک ده‌داته‌وه و ئەو پۆلینکاراییه‌ی له لایهن توپژهرانی بواری زماناسییه‌وه خراوته به‌رده‌ست، ده‌خاته به‌ر په‌خه و، تاوتووییان ده‌کات. له ئەنجامدا ئەم ئاکامه روون ده‌کاته‌وه که ئەم چه‌شنه پۆلینکاراییه‌کیشه و گرتی زۆری هه‌یه و سه‌ره‌رای بژاردنی ئەم گرفتانه، هه‌ندی پیشنیار پیشکەش‌ده‌کرت بۆ پۆلینکاراییه‌کی نوێ له زمانی کوردیدا، بۆ ئەو شوپینانه‌ی که کم و زۆر ناخپوه‌رانی زمانی کوردی و لقه‌کانی که‌لکی لئ وه‌رده‌گرن.

وشه‌گه‌لی سه‌ره‌کی: زمانی کوردی؛ زار؛ بن‌زار، کورمانجی؛ سۆرانی؛ که‌لهوری؛ هه‌ورامی

واژگان کلیدی: زبان کردی؛ گویش؛ لهجه؛ کورمانجی؛ سۆرانی؛ که‌لهوری؛ هورامی

۱- مقدمه

۱-۱- منشأ کردها

منشأ کلمه کرد به وضوح مشخص نیست و پژوهشگران حوزه کردشناسی در این زمینه اختلاف نظر دارند. بر اساس آساتریان (۲۰۰۹: ۶۷۸) نام کرد اولین بار در بیشتر منابع به شکل کرت یا کورت در متون روایی فارسی میانه آمده است و برای توصیف قبایل یا اجتماعاتی به کار رفته که پیش از توسعه‌ی دولت-ملت نوین وجود داشته‌اند. بنابراین، می‌توان گفت که کردها حتی بیش از آنچه که اسناد مکتوب منعکس می‌کنند، زیسته‌اند. می‌توان گفت که قوم کرد هزاران هزار سال در ناحیه‌ای که گهواره تمدن نامیده می‌شود، زیسته‌اند. همچنین می‌توان گفت در منطقه‌ای که کردها در آن زیسته‌اند و نواحی پیرامون آن، تمدن‌های پیشرفته بسیاری مانند تمدن‌های بین‌النهرین، هیتی‌ها، هوری‌ها، کاردوچی‌ها و میتانی‌ها وجود داشته‌اند. گرچه منطقه کردستان تحت حاکمیت حکومت‌های مختلفی همانند رومی‌ها، ارمنی‌ها، بیزانسی‌ها، اعراب، ترک‌ها و فارس‌ها یکی پس از دیگری بوده است، به دلیل سرزمین کوهستانی محصور و خشن کردها، این قوم در برابر هجوم اشغالگران نسبتاً یکدست مانده‌اند. (ناسیدز و همکاران ۲۰۰۵)

۱-۲- سکونت جغرافیایی کردها

امروزه کردها را می‌توان در بیشتر بخش‌های جهان به عنوان ساکنان اصلی و قدیمی یا تبعیدی و مهاجر یافت. کردها را به صورت ساکنان اصلی می‌توان در ایران، عراق، ترکیه، سوریه، ارمنستان، لبنان، آذربایجان، گرجستان و ترکمنستان یافت و به صورت تبعیدشده و مهاجر نیز در افغانستان، مصر، اردن، ایالات متحده، اروپای غربی، انگلستان، آلمان، اتریش، استرالیا، سوئیس، فرانسه و کشورهای بنلوکس یافت.

بنا به دلایل سیاسی، تعداد دقیق جمعیت کردنشین در نواحی مذکور -علی‌الخصوص در کشورهایایی که در آن‌ها کردها در صدد کسب خودمختاری یا استقلال بوده‌اند- به صورت دقیق مشخص نیست. بر اساس کتاب *حقایق جهان* (۲۰۱۷)، مردم کرد حدود ۲۰ درصد از جمعیت ترکیه (تقریباً ۲۰ میلیون نفر) نزدیک به ۱۲ درصد کل جمعیت ایران (حدود ۱۰ میلیون نفر)، حدود ۲۰ درصد جمعیت عراق (۶ میلیون نفر) و در سوریه نزدیک به ۱۰ درصد جمعیت یعنی حدود ۳ میلیون نفر را تشکیل می‌دهند. اما منابع کردی، به ویژه جناح‌ها و فعالان سیاسی مخالف، مدعی تعدادی بسیار بزرگ‌تر از آنچه هستند که دولت‌های مذکور گزارش داده‌اند.

۲- مبانی نظری

۲-۱- زبان، گویش و لهجه

هرچند که راجع به اصطلاحات زبان، گویش و لهجه توافق جامعی بین زبان‌شناسان و جامعه‌شناسان زبان وجود ندارد و هر کدام راجع به تعریف این اصطلاحات، دیدگاهی نسبتاً متفاوت دارند (ورداد و فولر، ۲۰۱۵)، اما می‌توان از دیدگاه‌های پژوهشگران این حوزه به جمع بندی مشخصی رسید. برای تمایز بین سه واژه و اصطلاح مذکور، باید هم عوامل صرفاً جامعه‌شناسی زبان نظیر درجه تفهیم بین سخنوران، دیدگاه‌های سیاسی و اجتماعی حکومت‌ها و دیدگاه و نگرش خود سخنوران به گونه‌زبانی خویش، و هم عوامل صرفاً زبانی از قبیل میزان و درجه تفاوت بین دو گونه‌زبانی در هر یک از سطوح زبانی نظیر آواشناسی، واژه‌شناسی، نحو، معناشناسی و حتی گفتمان را در نظر گرفت. همچنین بایستی هر سه اصطلاح مذکور را در یک محور قرار داد، به گونه‌ای که لهجه در ابتدای محور، گویش در میانه محور و زبان در انتهای آن قرار گیرد.

باید مقایسه را طبق عوامل مذکور به این صورت انجام داد که اگر تفاوت بین گونه‌زبانی در هر کدام از فاکتورها بیشتر به سمت زبان سنگینی می‌کند، آن گونه را زبان و در غیر این صورت، بسته به میزان تفاوت، گویش و لهجه قلمداد نمود. نمونه بارز تاثیر فاکتور جامعه‌شناسانه زبان به قلمداد نمودن گونه‌زبانی، چین می‌باشد. در حالی که از لحاظ عوامل زبانی و حتی درجه تفهیم بین سخنوران گونه‌های مختلف زبان چینی با زبان ماندری چینی تفاوت‌های عمده‌ای وجود دارد، بیشتر مردم و حکومت چین ترجیح می‌دهند از یک زبان چینی با گویش‌ها، و نه زبان‌های گوناگون چینی صحبت کنند.

در مثالی دیگر، با وجود اینکه از لحاظ زبانی تفاوت چندانی چشمگیری بین زبان چک و زبان اسلواکی وجود ندارد و سخنوران هر دو گونه‌زبانی به راحتی همدیگر را می‌فهمند، مردم و خود حکومت دو کشور از اصطلاح زبان چک و زبان اسلواکی بهره می‌گیرند. بنابراین، در این مطالعه نگارنده رویکردی بیشتر جامعه‌شناسانه نسبت به استفاده از اصطلاحات زبان، گویش و لهجه اتخاذ می‌نماید و از واژه خنثی شاخه در این خصوص بهره می‌گیرد؛ هرچند بشخصه از لحاظ زبانی بر این باورم که کردی چهار و یا حتی بیشتر زبان می‌باشد و نه یک زبان به چندین گویش و لهجه مختلف.

۲-۲- روش کار

در بخش پیش‌روی، نظریه و فرضیه‌های مرتبط با زبان کردی، ریشه‌ها و موارد مربوط به آن ارائه شده است. همانطور که نیکیتین عنوان می‌کند، «نه تنها فقدان آگاهی، بلکه تعصبات و دشمنی

نسبت به زبان کردی باعث شده بود که سیاحان و گردشگران غربی در قرن نوزده در کردستان، زبان کردی را به عنوان شکل شکسته‌ی فارسی، عربی و ترکی قلمداد کنند» (۱۹۸۵: ۵۷). با این وجود، شواهد موجود در لوح‌های باستانی و توصیفات تاریخی مردمان زاگرس‌نشین، کاردوچینی و مردم میانه - که در منطقه‌ی کردستان می‌زیسته‌اند - نشان می‌دهد که آن‌ها از زمان قدیم زبان خود را داشته‌اند و زبانشان با زبان مردم جنوب بین‌النهرین و ایران تفاوت داشته است. (آساترین ۲۰۰۹)

همان‌طور که لودویگ (۲۰۰۷) عنوان می‌کند، شکی نیست که همه‌ی گروه‌ها و اجتماعاتی که در منطقه‌ی کردستان یا نزدیک با آن می‌زیسته‌اند و یا با آن تبادلات فرهنگی و نظامی داشته‌اند، به تشکیل ملت کرد و از لحاظ تاریخی به ایجاد و رشد زبان کردی کمک کرده‌اند. با این وجود، زبان کردی از هر منشائی که مشتق شده باشد، به طور حتم از جنبه‌های متعددی برخوردار است که منحصربه‌فرد است (لودویگ، ۲۰۰۷: ۶). اما هیچ سندی در مورد زبان کردی قبل از قرن سیزده وجود ندارد، وام‌گیری‌های زبانی از زبان ارمنی در زبان کردی احتمال تماس زبان کردی-ارمنی را در اواخر قرن ۱۱۰۰ نشان می‌دهد. شرایط فعلی زبان کردی و دانش مرتبط با آن، ممکن است ما را به مرزهای تقریبی برساند که حیطه‌ی اصلی شکل‌گیری گویش‌های زبان کردی است. (آساتریان، ۲۰۰۹؛ کردستانیکا، ۲۰۱۹)

در مطالعه حاضر، نخست گزارشی از تقسیمات قبلی پژوهشگران حوزه زبان‌شناسی و کردشناسی ارائه و سپس به نقد و بررسی آن‌ها پرداخته می‌شود. در بخش‌های دیگر، به ارائه راهکار و پیشنهاد برای تدوین چهارچوبی نسبتاً یکسان برای تقسیم‌بندی زبان کردی پرداخته می‌شود و در پایان نیز، تقسیم‌بندی پیشنهادی به عنوان رهنمود برای تقسیم‌بندی زبان کردی ارائه می‌گردد.

۳- پیشینه: مروری بر تقسیمات پیشین زبان کردی

شاخص‌ترین و بحث‌برانگیزترین فرضیه راجع به زبان کردی مربوط به مکنزی (۱۹۶۱) است. او عنوان می‌کند که تشابه آوایی بسیاری بین کردی، فارسی و بلوچی وجود دارد. مکنزی معتقد است کسانی که به این زبان‌ها صحبت می‌کنند، همگی به ایرانی‌های شمال غربی برمی‌گردند. مکنزی سعی در تشکیل مجموعه‌ی زبان‌شناسی بلوچی-کردی-فارسی در بخش‌های مرکزی ایران داشت. بر اساس این فرضیه، مکنزی عنوان کرد که پارس‌ها (یا پروتو-پارس‌ها) در منطقه‌ی فارس در جنوب غرب ایران سکونت داشته‌اند و هخامنشی‌ها به زبان فارسی صحبت می‌کرده‌اند؛ بلوچی (پروتو-بلوچی) در منطقه‌ی مرکزی ایران غربی ساکن بوده‌اند و کردها (پروتو-کردها) در شمال غرب لرستان یا در اصفهان می‌زیسته‌اند.

زبان کردی در مجموع تنوع بسیاری داشته و این مردم در منطقه وسیعی که عمدتاً ایران، عراق، ترکیه، سوریه، ارمنستان، لبنان، آذربایجان، گرجستان و ترکمنستان را در بر می‌گیرد، سکونت داشته‌اند. اکنون زبان کردی دارای یک موقعیت رسمی همچون زبان ملی همسو با زبان عربی در عراق است. در ایران، زبان کردی به رسمیت شناخته می‌شود، اما در ارمنستان در اقلیت قرار دارد و اخیراً به عنوان زبان اقلیمی ترکیه به حساب می‌آید و هیچ موقعیت رسمی در سوریه ندارد؛ هرچند که اکنون در منطقه خودمختار کردنشین، موقعیت رسمی یافته است. امروزه بیشتر مردم کردزبان، چندزبانه هستند و هم به زبان کردی و هم به زبان کشورهای که در آن سکونت دارند صحبت می‌کنند، مثل عربی در عراق و سوریه، فارسی در ایران و ترکیه در ترکیه و ترکمنستان و روسی، ارمنی، گرجی و قفقازی در روسیه، ارمنستان، گرجستان و قفقازستان و انگلیسی و سویدی و دانمارکی و آلمانی در آمریکا و کشورهای اروپایی.

بتلیسی (۱۳۶۰) کتابی درباره‌ی تاریخ کرد در اواخر قرن دهم نوشت که یکی از اسناد باارزش به حساب می‌آید. او پیش‌قراول طبقه‌بندی زبان کردی است. این تقسیم‌بندی بر اساس گویش‌ها، لهجه‌ها و قبایل کردی قرار دارد. بتلیسی معتقد بود که کردها را می‌توان به چهار شاخه تقسیم کرد که زبان و آداب رسوم مختلفی دارند. او عنوان کرد که چهار شاخه تقسیم‌بندی کردها به این گونه است: کورمانجی، لری، کلهری و گورانی که هر کدام از آن‌ها گویش و لهجه متفاوت دارند. لودویگ (۲۰۰۸) مدعی بود که در میان این چهار شاخه، فقط کورمانجی و کلهری به زبان کردی شباهت دارند، هرچند که گورانی و لری هم از لحاظ زبان‌شناسی متفاوت هستند. لودویگ (۲۰۰۸) معتقد است که زبان‌شناسی توضیح و تبیین جامعی ندارد که چه زمانی یک زبان، زبان، گویش و یا لهجه تلقی شود و بنابراین فاکتورهای غیرزبان‌شناسی به پیوستگی گروه‌هایی که در بالا اشاره شد، کمک می‌کند.

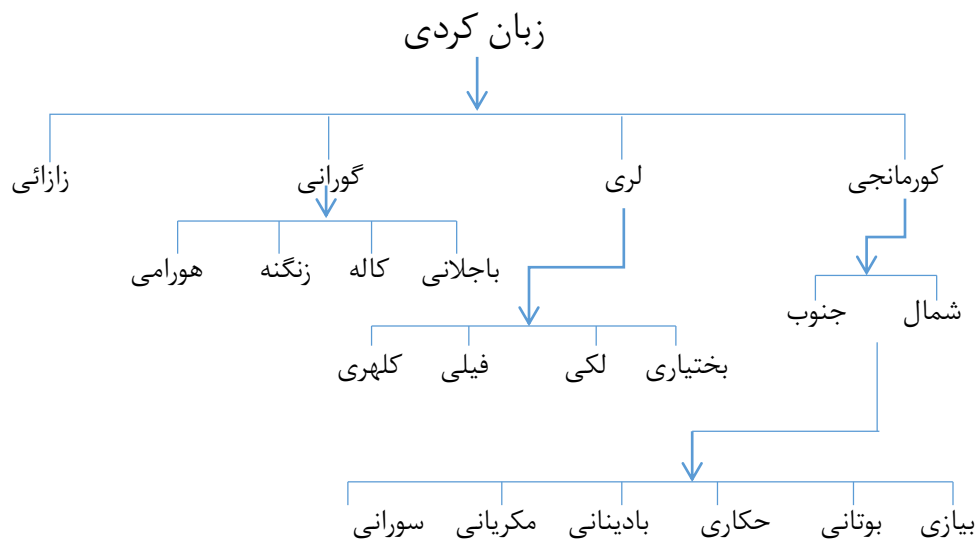
با تمام این تفاسیر، مینورسکی (۱۹۴۴) عنوان می‌کند که فقط کورمانجی و کلهری می‌توانند به عنوان کردی به حساب آیند و از گورانی و لری، هم از لحاظ ریشه و هم زبان‌شناسی تفکیک شوند. علی‌رغم عقیده‌ی مینورسکی و دیگر زبان‌شناسان، کلهری و گورانی واجد تفکیک‌های زبان‌شناسی نیستند (لودویگ، ۲۰۰۸). یکی از مهم‌ترین طبقه‌بندی‌ها، به مکنزی (۱۹۸۱) برمی‌گردد. مکنزی عنوان می‌کند که شاخه‌های زبان کردی، همچون دیگر شاخه‌های زبان‌های ایرانی دارای اشتراکات کمی هستند. مکنزی (۱۹۶۱) زبان کردی را به گروه شمالی (گروهی با گویش کورمانجی، گروه مرکزی (بخشی از گروه با گویش سورانی)، گروه جنوبی (بخشی از گروه با گویش کلهری) که شامل کرمانشاهی، اردلانی و لکی بوده است، تقسیم می‌کند.

جمال نیز - به فتح ن و ب - (۲۰۰۰) یکی از پژوهشگران نام‌آشنای زبان کردی است که سعی داشت شاخه‌های متعدد زبان کردی را در یک سر شاخه جمع آورد؛ بنابراین، به تقسیم‌بندی جدیدی پرداخت. در این تقسیم‌بندی، او کلمه‌ی کورمانجی را مترادف زبان کردی دانست. نیز تلفظ را به عنوان حیطة‌ی مهمی در تقسیم‌بندی زبان کردی در نظر نگرفت و معتقد بود که در تقسیم‌بندی زبان کردی، باید هر آنچه را که به نظر در معیارهای زبان‌شناسی مهم و اصولی است در نظر گرفت و از ویژگی‌های فرعی نظیر تلفظ یا ویژگی‌های کم‌اهمیت گرامری نظیر ضمیر مردانه و زنانه به عنوان معیاری برای تقسیم‌بندی شاخه‌های زبان کردی صرف‌نظر کرد.

جمال نیز (۲۰۰۰) زبان کردی را به دو شاخه‌ی اصلی و دو شاخه‌ی کوچک تقسیم کرد. شاخه‌های اصلی طبق نیز (۲۰۰۰) کورمانجی شمالی بودند که شامل گویش‌ها و لهجه‌های اقلیت بوتانی، جزیری، حکاری، آستیه، بایزیدی است و کورمانجی مرکزی شامل گویش‌ها و لهجه‌های اقلیت سلیمانی، سنه‌ای، اردلانی، کرکوک، هولیری، سورانی، مکرانی و شاربازیری است. نیز (۲۰۰۰) در ادامه بیان می‌دارد که دو شاخه‌ی اقلیت زبان کردی و کورمانجی جنوبی شامل فیلی، کرمانشاهی، لکی، کلهری، زنکینی و لری است و شاخه‌ی گورانی - زازایی شامل شاخه کردی هورامی است که در آن زنگنه و کردهای کاکه‌ای کرکوک به آن زبان صحبت می‌کنند و شاخه «ماچو» نامیده می‌شود، اما بیشتر در کرکوک رواج دارد. شاخه زازا در منطقه‌ی العزیز و کرپوت، دیاربکر، کولب، هینچ، پیران، چیرماتوک رواج دارد و حدود ۲۵۰۰۰۰ نفر به آن صحبت می‌کنند. نیز (۲۰۰۰) در ادامه بیان می‌دارد که شاخه زازا بسیار به گورانی شباهت دارد و هر دوی آن‌ها یک شاخه به حساب می‌آیند. هرچند کسانی که به زازایی - گورانی صحبت می‌کنند از شاخه‌های همسایه برای نوشتن استفاده می‌کنند، اما این شاخه به پارسی میانی نزدیکتر است که کمی از آن باقی مانده است.

مردوخ (۱۳۵۳) با پذیرش تقسیم‌بندی بتلیسی مدعی شد که زبان کردی چهار شاخه دارد، کورمانجی، گورانی، لری و کلهری. مردوخ (۱۳۵۳) مدعی بود که علی‌رغم اینکه هر شاخه زیرمجموعه‌های (گویش‌ها و لهجه‌ها) خودش را داراست، شباهت‌های اصول گرامری و لغت و روابط آن‌ها در میان گویش‌ها و لهجه‌ها، ما را تشویق می‌کند تا همه‌ی این موارد را به عنوان کردی، جدای از خانواده‌ی زبانی ایرانی قلمداد کنیم. ایزدی (۱۹۹۳) زبان کردی را به چهار شاخه تقسیم می‌کند، کورمانجی شمالی، کورمانجی جنوبی، دیلمی و گورانی؛ در حالی که حسن پور (۱۹۸۹) آن را به کورمانجی، سورانی، هورامی و کرمانشاهی تقسیم می‌کند. ذبیحی (۱۹۶۷) آن را به گروه شمالی، گروه مرکزی، گروه جنوبی و هورامی تقسیم می‌کند.

وهبی (۱۹۶۵) زبان کردی را به چهار شاخه‌ی زازایی، گورانی، لری و کورمانجی تقسیم می‌کند. وهبی بعدها گورانی را به چهار زیربخش هورامی، زنگنه، کاکه‌ای و باجلانی تقسیم کرد. وهبی (۱۹۶۵) هیچ شاخه‌ای برای زازایی قایل نمی‌شود، در حالی که لری را به چهار شاخه ممسنی، کلهری، فیلی، لکی و بختیاری تقسیم می‌کند. او همچنین کورمانجی را به دو شاخه کورمانجی جنوبی و کورمانجی شمالی تقسیم می‌کند. وهبی معتقد است که اردلانی، سلیمانی، سورانی، مکریانی به کورمانجی جنوبی متعلقند و چهار شاخه اصلی بادینانی، حکاری، بوتانی و بایزیدی به کورمانجی شمالی تعلق دارند. نمودار زیر شاخه‌های مختلف زبان کردی را بر اساس تقسیم بندی وهبی نشان می‌دهد. (۱۹۶۵: ۲۵)



نمودار ۱ تقسیم‌بندی زبان کردی بر اساس تقسیم‌بندی وهبی (۱۹۶۵: ۲۵)

بر اساس فرهنگ لغت بریتانیکا (۲۰۱۸)، زبان کردی از دو گروه اصلی کورمانجی و سورانی و زیرمجموعه‌های کرمانشاهی، فیلی، لکی، گورانی و زازائی تشکیل شده است. برخی پژوهشگران گروه گورانی-زازا را به شکل مجزا قلمداد کرده‌اند که واجد لغات بسیاری هستند که با کردی مشترک است: اصطلاح اصلی کرد از لحاظ تاریخی به این گروه‌ها مرتبط است (رنجبر، ۲۰۱۰). از این لحاظ، کرینبروک (۱۹۹۲) بر این باور است که تفاوت سورانی و کورمانجی به اندازه تفاوتی است که بین انگلیسی و آلمانی وجود دارد. او به مثال‌هایی از کورمانجی اشاره می‌کند که از لحاظ گرامری واجد جنسیت هستند، در حالی که سورانی چنین نیست؛ بنابراین، شاخه‌های کورمانجی و سورانی منشأ یکسانی دارند و حقیقت این است که

استفاده از آن‌ها ماهیت و انسجام زبان کردی را نشان می‌دهد (۲۵). در نهایت اینکه، جدول زیر طبقه‌بندی زبان کردی بر اساس محققان کردشناسی را نشان داده است.

جدول ۱: طبقه‌بندی زبان کردی از سوی پژوهشگران حوزه‌ی کردشناسی							
ایزدی	حسن‌پور	مکنری	نیز	ذبیحی	مردوخ	وهبی	بتلیسی
۱۹۹۲	۱۹۸۹	۱۹۸۱	۱۹۷۶	۱۹۶۷	۱۹۶۰	۱۹۵۱	قرن ۱۰
کورمانجی شمالی	کورمانجی	گروه شمالی	کورمانجی شمالی	گروه شمالی	کورمانجی	کورمانجی	کورمانجی
کورمانجی جنوبی	سورانی	گروه مرکزی	کورمانجی میانی	گروه مرکزی	لری	لری	لری
دیملی	هورامی	غیرکردی	گورانی / زازائی	هورامی / دیملی	گورانی	گورانی	گورانی
گورانی	کرمانشاهی	گروه جنوبی	کورمانجی جنوبی	گروه جنوبی	کلهری	زازائی	کلهری

۴- بررسی و بحث

۴-۱- خوانش انتقادی تقسیم‌بندی‌های گویش‌شناختی کنونی

همان‌طور که در بالا نشان داده شد، پژوهشگران زبان کردی را به شاخه‌ها و زیرشاخه‌های مختلفی تقسیم کرده‌اند، ولی در میان آن‌ها شباهت‌هایی نیز وجود دارد. این محققان نام‌های مختلفی برای شاخه‌ها یا زیرشاخه‌ها برگزیده‌اند، از قبیل کورمانجی، سورانی، کلهری، کورمانجی جنوبی، کورمانجی شمالی، کرمانشاهی و غیره. برخی از نام‌ها از لحاظ جغرافیایی منسوب شده‌اند، مانند کورمانجی شمالی یا کورمانجی جنوبی. محققانی که شاخه‌های زبان کردی را به این شکل نامگذاری کرده‌اند، به طبقه‌بندی آن‌ها بر اساس حیطه‌های جغرافیایی پرداخته‌اند و فرض بر آن داشته‌اند که یک حیطه و منطقه جغرافیایی خاص واحد یک شاخه‌ی خاص است و در آن حیطه فقط آن شاخه استفاده می‌شود و بررسی‌های اقلیمی، طبقه‌بندی جغرافیایی زبان کردی را نشان می‌دهد که دقیق نیست زیرا انتشار زبان کردی فقط به لحاظ جغرافیایی نیست. به عنوان مثال، وقتی به طبقه‌بندی مکنزی (۱۹۸۱) می‌نگریم، او انتظار

دارد که در منطقه‌ی شمالی فقط کورمانجی وجود داشته باشد، در حالی که دیگر شاخه‌ها و زیرشاخه‌ها هم هستند.

مکنزی (۱۹۸۱) هورامی و زازائی را غیرکردی قلمداد می‌کند؛ هرچند که کردها بسیار به آن‌ها وفادار هستند و آن‌ها نیز خودشان را کرد می‌دانند و حتی شاخه‌ی زبانی‌شان از استانداردهای زبان کردی برخوردار است، به ویژه شعرای کرد (نظیر غلام‌رضا ارکوازی در ایلام که به زبان کردی فیلی (ایلامی) صحبت می‌کرد و یا مولوی تاوگوزی سورانی‌گوی که به هورامی شعر می‌سرود) در زمان تحکم اردلان‌ها، شیوه‌ای از شاخه هورامی را انتخاب کردند که در بیشتر آثارشان نمود داشت. غلام‌رضا ارکوازی کرد فیلی و ایلامی بود و در ایلام هم به کردی فیلی صحبت می‌کرد و به عبارتی زبان مادری وی فیلی بود، اما به هورامی شعر می‌سرود. به علاوه، نام‌هایی نظیر کورمانجی و مانند آن در میان محققان فقط به گونه‌ی خاصی محدود نیست و نام‌هایی که در میان مردم انتشار یافته، بر اساس قبایلی بوده که مردم خاصی به آن‌ها تعلق داشته‌اند.

مثال دیگر در این زمینه، عبارت است از این امر که بیشتر کلهری‌ها صرفاً به این دلیل کلهری نامیده می‌شوند چون بیشتر آن‌ها که به کلهری صحبت می‌کنند به قبایل کلهر تعلق دارند که یکی از بزرگ‌ترین قبایل کردستان است، حتی علی‌رغم اینکه برخی کردها با شاخه کلهری صحبت می‌کنند، آن‌ها به قبیله‌ی کلهر تعلق ندارند. به عنوان مثال، بیشتر مردم کرمانشاهان مردمانی را که با گویش سورانی و جافی (و حتی هورامی) صحبت می‌کنند، به اشتباه جافی می‌نامند؛ چون در شهر کرمانشاه فقط مردمی که به قبیله‌ی جافی تعلق دارند، سورانی صحبت می‌کنند. حتی، به اشتباه، مردمان اهل مهاباد و بوکان را که به سورانی صحبت می‌کنند، جاف می‌نامند؛ در حالی که آن‌ها از لحاظ طبقه بندی قومی و قبیله‌ای مکریانی هستند و نه جاف. در نهایت اینکه، همچنان که برخی زبان‌شناسان و جامعه‌شناسان زبان در حوزه تماس زبانی (نگاه کنید به وینفورد، ۲۰۰۳) اشاره دارند، زبان‌ها در طول زمان و در اثر تماس با یکدیگر، گونه‌های مختلف آن به خاطر عوامل گوناگون از بین رفته و به یک گونه واحد تبدیل می‌شوند و یا برعکس، یک گونه زبانی به خاطر عوامل مختلف در طی زمان به چند گونه تبدیل شوند و این احتمال وجود دارد که زبان کردی به این گونه باشد و در طی زمان به خاطر عوامل متعدد نظیر دوری از هم و تماس با زبان‌های دیگر به گونه‌های متعدد تبدیل شده است و همین امر، همراه با دلایل مذکور در بالا، راجع به عدم جامع بودن طبقه‌بندی‌های مذکور، نگارنده را بر آن داشت که خود تقسیم‌بندی جدیدی را ارائه و مناطق تقریبی که در آن، آن شاخه و زیرشاخه استفاده می‌شود، ذکر کند.

۴-۲- راهکار مناسب جهت تقسیم‌بندی شاخه‌های زبان کردی

در این طبقه‌بندی، نگارنده زبان کردی را به چهار شاخه کورمانجی، سورانی، کلهری و هورامی تقسیم‌بندی می‌کند. البته نام‌های مذکور فقط جهت نام‌گذاری به کار می‌روند؛ چرا که به طور رایج به منظور طبقه‌بندی مورد استفاده قرار می‌گیرند. نگارنده معتقد است در ابتدا باید ویژگی‌های هر شاخه و زیرشاخه‌های آن از لحاظ شاخص‌های زبانی نظیر آوایی و آواشناسی، واجی و واج‌شناسی، نحو و دستور زبان و معناشناسی مورد بررسی جامع قرار گیرد و بعد هر کدام را در شاخه و زیرشاخه آن قرار داد. چنین کاری شبیه طبقه‌بندی‌ای است که زیست‌شناسان راجع به گونه‌های مختلف گیاهی و جانوری انجام می‌دهند؛ چرا که زیست‌شناسان با یافتن شاخص‌های مشترک بین گونه‌های مختلف گیاهی و جانوری، به طبقه‌بندی آن‌ها می‌پردازند.

به باور نگارنده، زبان‌شناسان نیز بایسته است چنین رویکردی را اتخاذ کرده و با توجه به شاخص‌های مشابه و مشترک در زبان‌ها و گونه‌های مختلف آن‌ها، به طبقه‌بندی زبان و شاخه‌های آن بپردازند. به عنوان مثال، هورامی شاخه‌ای با ویژگی‌هایی است که از لحاظ قوانین آوایی، واژه‌شناختی، نحوی و معناشناختی با دیگر شاخه‌ها متفاوت است. سورانی نیز دارای ویژگی‌هایی نحوی، آوایی و واژه‌شناختی است که با دیگر شاخه‌ها متفاوت است و آن را از دیگر شاخه‌ها تفکیک می‌کند و کسانی که از این ویژگی‌ها استفاده می‌کنند، طبق آن شاخه‌ای صحبت می‌کنند که هورامی و یا سورانی نامیده می‌شود. وقتی ما زبان‌هایی با نام‌های فارسی، عربی، اسپانیایی، آلمانی و ... داریم، پس می‌توان به نام‌هایی نظیر کورمانجی، سورانی، کلهری و هورامی نیز اشاره کرد. زبان آلمانی واجد ویژگی‌هایی است که آن را از دیگر زبان‌ها نظیر انگلیسی یا فارسی تفکیک می‌سازد. همین وضعیت برای هورامی، کورمانجی، سورانی و کلهری نیز وجود دارد. بنابراین، می‌توان زبان کردی را به چهار شاخه عمده کورمانجی، سورانی، کلهری و هورامی تقسیم کرد. در اینجا نگارنده از اصطلاحات بحث‌برانگیز نظیر زبان و گویش و لهجه برای نامیدن چهار شاخه مذکور خوداری می‌کند؛ هرچند بر این باور است که بهتر است اصطلاح زبان‌های کردی و نه زبان کردی به کار برده شود و معتقد است که از لحاظ درجه تفهیم و سطوح مختلف زبانی نظیر آواشناسی، واژه‌شناسی، معناشناسی و نحو، این چهار شاخه علی‌رغم شباهت‌های فراوان بسیار متفاوت نیز هستند.

۴-۳- الگوی پیشنهادی پژوهش حاضر

با توجه به آنچه در بالا ذکر آن رفت، برای ارائه یک طبقه‌بندی جامع و نسبتاً مقبول، نیاز به تقسیم‌بندی شاخه‌های زبان کردی بر پایه چهارچوب پیشنهادی ارائه شده در بالا است. آنچه

که در ذیل می‌آید صرفاً طبقه‌بندی تقریبی، موقتی و پیشنهادی است، و به این امید که محققان حوزه کردشناسی در آینده بتوانند با استفاده از آن، طبقه‌بندی جامعی ارائه دهند. زبان کردی دارای چهار شاخه‌ی عمده‌ی کورمانجی، سورانی، کلهری و هورامی است. کورمانجی خود به هشت زیرشاخه‌ی جزیری، هکاری، بایزیدی، بوتانی، شامدینانی، زاخویی، شکاکی و بادیانانی تقسیم می‌شود، که به طور عمده در این مناطق به این شاخه صحبت می‌شود:

ترکیه: کردهایی که در شهرهای جزیره، دیاربکر، ارزورم، بایزید، حکاری، ماردین، بتلیس، وان، آگری، شامدینان زندگی می‌کنند.
عراق: آکره، دهوک، زاخو، عمادیه و سنگال.
ایران: ارومیه، سلماس، ماکو، نقده، برادوست، ترگاور، مرگاور و کردهای شمال خراسان (قوچان، بیرجند و ...)
سوریه: همه‌ی کردهایی که در مناطقی نظیر قامشلی، حسکه و حواشی سوریه و لبنان زندگی می‌کنند.
ترکمنستان: ارمنستان، آذربایجان، جورجیا، ترکمنستان، قفقاز و غیره

سورانی که به زیرشاخه‌های مکریانی، سورانی، اردلانی و جافی تقسیم می‌شود. مکریانی فقط در ایران و بیشتر در شهرهای مهاباد، بوکان، سردشت، پیرانشهر، نقده، و شنو (اشنویه) صحبت می‌شود. سورانی در شهرهای سلیمانی (سلیمانیه)، کرکوک، هولیر (اربیل)، موصل، رواندز، چمچمال، شقلاوا، کویه، قلادزه، سوران، دوکان، سی ساییق (سید صادق) و برخی قسمت‌های حلبچه صحبت می‌شود.

اردلانی بیشتر در ایران، و در شهرهای سنه (سنندج)، دیواندره، کامیاران، و لیلخ صحبت می‌شود و جافی بیشتر در شهرهای جوانرو (جوانرود) روانسر، سرپل ذهاو (سرپل ذهاب) و ثلاث باوه‌جانی (ثلاث باباجانی) و در عراق در شهرهای شارزور، کرکوک، کلار، کفری و غیره صحبت می‌شود.

کلهری به سه زیرشاخه اصلی کرماشانی (کرمانشاهی)، فیلی و لکی تقسیم می‌شود. کلهری کرماشانی (کرمانشاهی) در ایران و مشخصاً در شهرهای کرماشان (کرمانشاه)، دالاهو، صحنه، کنگاور، قصرشیرین، هرسین، سنقر، کلیایی، شاباد (اسلام آباد)، قروه، بیجار، ایلام، ایوان، آبادان مهران، دهلران، حمیل، هلیلان، سراوله (سرابله)، ملکشاهی و برخی قسمت‌های سرپل

ذهاو (سرپل ذهاب)، تویسرکان و اسدآباد در همدان و در عراق در شهرهای خانقین، مندلی، کلار، بصره و غیره صحبت می‌شود.

فیلی بیشتر در ایران و در شهرهای ایلام، عراق در شهرهای بغداد، پایتخت عراق، صحبت می‌شود. لکی بیشتر در شهرهای کرمانشان (کرمانشاه) و هرسین و برخی قسمت‌های کنگاور کرمانشاه صحبت می‌شود. در برخی شهرهای لرستان نظیر کوه‌دشت، دلفان، نورآباد، سلسله، الشتر، لکی صحبت می‌شود.

هورامی به دو زیرمجموعه‌ی هورامی گورانی و زازائی تقسیم می‌شود. اولی بیشتر در ایران، در منطقه‌ی هورامان تخت صحبت می‌شود، که شامل جنوب مریوان و ژاورو است. هورامی همچنین در هورامان لهون شامل پاهو، نوسو (نوسود) نودشه، دینور و کردهای عبدالمالکی نوشهر و در عراق بیشتر در شهرهای حلبچه، بیاره، خرمال، تاول، زنگنه و کویه در کرکوک صحبت می‌شود. دومی، زازائی فقط در ترکیه و در بخش‌های بنگول، دیرسیم، خارپوت، مادن و آذربایجان صحبت می‌شود. در اینجا باید اشاره کرد که چهار شاخه مذکور زبان کردی از لحاظ جغرافیایی در تمام نقاط کردستان و جهان پخش می‌شوند. به استثناء ایران و عراق، که تمام چهار شاخه در آن‌ها وجود دارد، در کشورهای دیگر به ندرت می‌توان این چهار شاخه را با هم پیدا کرد.

جدول بعدی مناطقی را نشان می‌دهد که در آن چهار شاخه اصلی و زیرشاخه آن در تمام نقاط کردستان و جهان آمده است. همانطور که جدول نشان می‌دهد، بزرگ‌ترین و پرجمعیت‌ترین شاخه در دنیا کورمانجی است؛ دوم سورانی، سوم کلهری و در نهایت کوچکترین شاخه هورامی است. بیشتر کردهای ترکیه (با بیش از ۱۵ میلیون نفر، کردهای سوریه با جمعیت بالغ بر ۳ میلیون نفر)، کردهای ارمنستان (۱/۵ میلیون نفر) و بیشتر کردهای عراق و یک چهارم کردهای ایرانی با شاخه کورمانجی صحبت می‌کنند. همچنین کورمانجی شاخه‌ای است که بیشترین زیرشاخه را داراست و سورانی زبان مورد استفاده میان کردها در ایران و عراق و همین‌طور منطقه‌ی تحت حکومت کردها در عراق می‌باشد.

جدول ۲: شاخه‌های زبان کردی حال حاضر و اقلیم‌های جغرافیایی آن‌ها			
ردیف	شاخه	زیرشاخه	مناطق جغرافیایی که در آن‌ها صحبت می‌شود.
الف	کورمانجی	جزیری، حکاری، پایزیدی، بوتانی، شامدینانی، زاخویی، شکاکی و بادینانی	ترکیه: جزیره، آمد (دیاربکر)، ارزوروم، پایزید، حکاری، ماردین، بتلیس، وان، آگری، شامدینان عراق: آکره، دهوک، زاخو، عمادیه، سنگال. ایران: ارومیه، سلماس، ماکو، نقده، برادوست، ترگاور، مرگ‌آور و کردهای خراسان جنوبی (قوچان، بیرجند و ...).

سوریه: همه کردها در مناطق نظیر قامیشلی، حسکه زندگی می‌کنند. ترکمنستان: ارمنستان، آذربایجان، گرجستان، ترکمنستان، قفقاز و غیره			
ایران: مهاباد، بوکان، سردشت، پیرانشهر، نقده، شنو (اشنویه)	مکریانی	سورانی	ب
عراق: سلیمانیه، کرکوک، هولیر (اربیل)، موصل، رواندز، چم چمال، شقلاوا، کویه، قلادز، سوران، دوکان، سیسایق و برخی بخش‌های حلبچه ایران: سقز، بانه، تکاب و برخی بخش‌های مریوان	سورانی (مخصوصاً)		
ایران: سنه (سنندج)، دیواندره، کامیاران، لیلخ.	اردلانی		
عراق: شارزور، کرکوک، کلار، کفری و ... ایران: جوانرو (جوانرود)، روانسر، سرپل ذهاو (سرپل ذهاب)، ثلاث باوه‌جانی (ثلاث باباجانی)	جافی		
ایران: کرمانشاه (کرمانشاه)، دالاهو، صحنه، کنگاور، قصرشیرین، هرسین، سنقر، کلیایی، شاپاد (اسلام آباد)، قروه، بیجار، ایلام، ایوان آبدانان، مهران، دهلران، و برخی بخش‌های سرپل ذهاو (سرپل ذهاب) عراق: خانقین، مندلی و مناطق بصره و غیره	کلهری / کرمانشاهی	کلهری	پ
ایران: شهر ایلام، شهر هرسین در کرمانشاه، شهر لرستان که شامل ملایر، بروجرد، پشت کوه، کوه دشت، دره شهر، آبادانان در ایلام.	فیلی و لکی		
ایران: هورامان تخت که شامل جنوب مریوان، ژاورو، هورامان، لهون شامل پاهو، نوسود، نودشه، دینور، عبدل المالکی نوشهر و غیره عراق: حلبچه، بیاره، خرمال، تاوله، زنگنه و کویه در کرکوک.	گورانی / هورامی	هورامی	ت
ترکیه: بخش‌های بنگول، دیرسیم، خارپوت، مادن، آذربایجان، دیاربکر، اورفا و بتلیس	زازائی		

۶- نتیجه‌گیری

بنابر آنچه بیان شد، زبان کردی دارای چهار شاخه عمده کورمانجی، سورانی، کلهری و هورامی است که به صورت ناهمگون در جاهای مختلف کردستان و دیگر مناطق توزیع شده‌اند و به دلیل تماس با زبان‌های دیگر نظیر فارسی، عربی و ترکی، تا حدی دچار دگرگونی شده‌اند و لذا بهتر است تقسیمات آن طبق ویژگی‌های مشترک و نه بر اساس جغرافیا و محل سکونت انجام گیرد. همچنین باید عوامل و عناصر زبان‌شناسی و جامعه‌شناسی زبان را نیز در تقسیم‌بندی لحاظ نمود؛ بدین صورت که ابتدا ویژگی‌های هر یک از چهار شاخه اصلی زبان کردی را از لحاظ

زبان‌شناسی در تمام سطوح زبانی نظیر آواشناسی، واژه‌شناسی، معناشناسی، نحو و غیره یافت و سپس هر زیرشاخه و گویش و لهجه‌ای که بیشترین ویژگی مشترک با آن شاخه را داراست جز آن شاخه قلمداد نمود و سپس عوامل جامعه‌شناسی زبان را نیز لحاظ نمود تا بتوان با در نظر گرفتن جنبه‌های جامعه‌شناختی زبان و نیز جنبه‌های زبان‌شناختی، تقسیم‌بندی را انجام داد.

منابع

فارسی:

رنجبر، وحید، (۱۳۸۸). *دستور زبان کردی کرمانشاهی*. کرمانشاه: انتشارات طاقبستان
بتلیسی، شرفخان (۱۳۶۰). *شرفنامه*. تهران: سروش.
مردوخ کردستانی، آیت الله محمد (۱۳۵۳). *تاریخ کرد و کردستان*. جلد اول تا چهارم. تهران: کتاب‌خانه ملی.

انگلیسی:

Asatrian, G. (2009) "Prolegomena to the Study of the Kurds, Iran and the Caucasus," Vol. 13, pp. 1-58. http://www.archive.org/stream/ProlegomenaToTheStudyOfTheKurds/Asatrian_kurds_djvu.txt.

CIA World Fact book (2017). Retrieved from: <https://www.cia.gov/cia/publications/factbook/index.html>

Encyclopedia Britannica Online, (2018). *Kurdish language*. Retrieved from www.britannica.com.

Hassanpour, A. (1989). *The language factor in national development: The standardization of the Kurdish language, 1918-1985*. Ann Arbor.

Izadi, M. (1993). "Exploring Kurdish Origins," *the Kurdish Life*, No. 7, Vol.2.

Kurdistanica (2019). <http://kurdistanica.com>

Kreyenbroek, G. (1992). "On the Kurdish Language," in *The Kurds: A Contemporary Overview*. Retrieved from <http://www.Iranicaonline.org/articles/kurdish-language>.

Ludwig P. (2008) *Kurdish language*. Iranica.com. Retrieved from <http://www.iranicaonline.org/articles/kurdish-language>.

Mackenzie, D.N. (1961). *Language in Kurds & Kurdistan*, in *Encyclopedia of Islam*. Retrieved from www.brill.nl/publications/online/encyclopaedia-islam-online.

Minorsky, V. (1944). *The Kurds*. In *Encyclopedia of Islam*. Retrieved from www.brill.nl/publications/online.../encyclopaedia-islam-online.

Nabaz, J. (2000). *The Kurdish Language from Oral Tradition to Written Language*. Germany: Berlin.

Nasidze, I. Quinque, D. Ozturk, M. Bendukidze, N. Stoneking, M. (2005). "MtDNA and Y-chromosome variation in Kurdish groups," *Annals of Human Genetics*, Vol. 69, No. 4, pp. 401-12.

Nikitin, W. (1985). *The Kurds and Kurdistan*. Translated by M. Qadhi. Tehran: Seroush Publication.

Wardough, R. and Fuller, J. M. (2015). *An Introduction to Sociolinguistics*. John Willy and Sons Publication.

Winford, D. (2003). *An Introduction to Contact Linguistics*. Oxford: Blackwell Publishing.

Wahbi, T. (1965). *The origins of the Kurds and their language*. London: Routledge.